

**Studying the Role of Clergy Preaching in Islamic Thought
to Achieve New Islamic Civilization**

Received: 2024/01/21

Accepted: 2024/02/13

Mohammad Reza Rashidi Alehashem*
(60-94)

The purpose of this research is to study the role of clerics as successors of the Prophet in playing the role of informing the world to achieve the new Islamic civilization. The method of this research is a qualitative type of foundational data and theory, in which concepts are extracted from the Qur'an and narration, and at the first stage, they are formed into open codes, and then they are categorized into more general categories and core codes. The next step is to make a logical choice among the core codes and categories to form a basic theory. The sample and validity of the tool is obtained by theoretical saturation, and the important categories of playing the role of clerics in the world are: a. Content of the message: 1. Communicating the oneness of God, 2. Communicating the mission of the Prophet, 3. Communicating the innocence of other than God (abandonment and idolatry), 4. Communicating the lack and caste of religion (knowledge, rules and principles), 5. Communicating the reward of obedience and worshipping God (abshar).), 6. Communicating the punishment of obeying and worshipping other than God (warning). b. Resalat, vol. How to notify: 1. Communicating B-Kam and Caste, 2. Being present in all parts of the country and the world, 3. Learning foreign languages, 4. Propaganda according to the understanding of people, 5. Correctly playing the role of propaganda with psychological and sociological tricks, 6. Advertising according to needs, 7. Necessity measurement for advertising.

Keywords: Role, Clerics, Communication, Society, Islamic Thought, Islamic Civilization.

* Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities and Soft Power, Imam Hossein University of Officer Training and Guard Training, Tehran, Iran, dsr.rashidi@gmail.com.



مطالعه نقش تبلیغی روحانیان برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۴

سیدمحمدرضا رشیدی آل‌هاشم^{*}
(۹۴-۶۰)

چکیده

هدف از انجام این پژوهش مطالعه نقش تبلیغی روحانیان برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی است. روش پژوهش در این مقاله، کیفی و از نوع داده‌بنیاد است که مفاهیم از قرآن و روایت استخراج شده و در مرحله نخست در کدهای باز شکل یافته و سپس در کدهای محوری و مقوله‌های کلی‌تر دسته‌بندی می‌شوند و در مرحله بعدی از کدهای محوری، انتخاب منطقی صورت می‌گیرد تا نظریه‌ی مبنایی شکل گیرد. نمونه و روایی ابزار با اشباع نظری به دست می‌آید و مقوله‌های مهم ایفای نقش تبلیغی روحانیان عبارت‌اند از: الف) محتوای پیام: ۱. ابلاغ یگانگی خدا، ۲. ابلاغ رسالت پیامبر، ۳. ابلاغ برائت از غیر خدا (ترک بت‌پرستی)، ۴. ابلاغ بی‌کم‌وکاست دین (معارف، احکام و اصول)، ۵. ابلاغ پاداش اطاعت و عبادت خدا (ابشار)، ۶. ابلاغ جزای اطاعت و عبادت غیر خدا (انذار)؛ ب) رسالت، ج) چگونگی ابلاغ: ۱. ابلاغ بی‌کم‌وکاست، ۲. حضور در اقصا نقاط کشور و جهان، ۳. یادگرفتن زبان‌های بیگانه، ۴. تبلیغ متناسب با درک و فهم افراد، ۵. ایفای درست نقش تبلیغ با ترفندهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، ۶. تبلیغ برابر ضرورت‌ها، ۷. نیازسنجی برای تبلیغ.

یافته‌های پژوهش در دسترس به ایفای نقش تبلیغی در بردارنده هفت گونه ابلاغ بودند و نتیجه‌های برآمده از آن عبارت‌اند از: ۱. ایفای نقش تبلیغی روحانیان برای ابلاغ بی‌کم‌وکاست یکتاپرستی، به‌عنوان جهت‌گیری مهم تمدن نوین اسلامی در فاصله‌گیری و برائت از تمدن الحادی غرب؛ ۲. پیامبری حضرت محمد ﷺ، به‌عنوان آخرین پیامبر، تبلیغ سیره، سنت عملی و نظری ایشان؛ ۳. برائت از کفر و

* . دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و قدرت نرم، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین ﷺ،

تهران، ایران، dsr.rashidi@gmail.com

شرک، و برائت از جهت‌گیری‌های انسان‌مدارانه مادی؛ ۴. ابلاغ معارف، احکام و اصول دین، به‌عنوان ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری؛ ۵. ابلاغ ابشار و انذار به همه جهانیان و حضور در اقصا نقاط جهان برای ایفای نقش تبلیغ در راستای شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی.

کلیدواژه‌ها: نقش روحانیان، ابلاغ، جامعه، اندیشه اسلام و تمدن اسلامی.

مقدمه

در باره مفهوم «نقش» باید گفت: نقش اجتماعی مفهومی پیچیده و چندبعدی است، که ناشی از عامل‌های فردی و اجتماعی در جامعه معنا می‌یابد. در وضعیت‌های گوناگون نقش‌های گوناگون شکل می‌گیرد و گاهی دگرگون می‌شود. نقش به رفتاری گفته می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه ویژه‌ای را اشغال کرده است، انتظار دارند (کوئن، ۱۴۰۱: ۸۳).

با این تعریف، پیشینه کاربرد مفهوم نقش هم به جامعه‌شناسی و هم به روان‌شناسی برمی‌گردد. در این خصوص، برخی مفهوم نقش را نقطه پیوند نظری بین روان‌شناسی و جامعه‌شناسی انگاشته‌اند. البته باید دانست که این مفهوم گسترده‌ترین واحد پژوهشی را در روان‌شناسی و کوچک‌ترین واحد پژوهشی را در جامعه‌شناسی شکل داده است؛ و به‌همین دلیل، مفهوم نقش از دستاوردهای منابع گوناگون بهره گرفته و بدان افزوده شده است، اما هم‌زمان این گوناگونی منابع، بیشتر موجب بی‌انسجامی مفهوم نیز گردیده است (دوچ، کراوس، ۱۳۹۸: ۸).

روحانیان - به‌عنوان جانشین‌های پیامبر - وظیفه ایفای نقش‌های گوناگون رسالت را در نبود پیامبر و جانشین‌های او - یعنی امامان - برعهده دارند؛ به‌ویژه در زمان غیبت امام عصر، روحانیان نقش‌های مهمی، از جمله تبلیغ، دعوت، تربیت، دفاع و نهادینه‌سازی حکومت دینی را عهده‌دار هستند.

نهاد روحانیت - به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی - کارکردهای بسیار مهمی را در جامعه دینی برعهده دارد؛ که از جمله می‌توان به معرفی و تبلیغ آموزه‌های راستین دین به جامعه، و تلاش و جهاد در مسیر هماهنگی و هم‌سازی جامعه با دین اشاره کرد. پیشینه تاریخی این نهاد را می‌توان صدر اسلام و عصر معصومان علیهم‌السلام دانست؛ به‌ویژه در زمان

امام باقر و امام صادق علیهما السلام که با شکل‌گیری نشست‌های علمی-فقهی نزد آن دو بزرگوار، شبکه‌ای از روایتگرهای حدیث و فقیهان به‌وجود آمد، که در زمان امامان پس از آن‌ها و دوره غیبت، افزون بر تبلیغ و اشاعه دین، با عهده‌داری کارکردهای اقتصادی (خمس، زکات و صدقات)، این شبکه گسترش و سازمان‌دهی بیشتری پیدا کرد.

در جامعه ایران تا پیش از حکومت صفوی، به‌دلیل کمینه بودن و ضعف نسبی اجتماعی-سیاسی شیعه، حوزه‌های علمی، فقهی و روحانیت شیعی، جز مورد‌های اندک، از جایگاه شایسته برخوردار نبود؛ ولی با شکل‌گیری حکومت صفوی و رسمیت یافتن شیعه، و گسترش و فراگیری اجتماعی آن، نهاد روحانیت شکل سازمان‌یافته پیدا کرد؛ و نقش‌ها و کارکردهای اجتماعی-سیاسی بیشتری را ایفا نمود.

از آن‌پس، روحانیت به‌عنوان نهادی بس مهم، همواره در معادله‌ها و فرایندهای اجتماعی-سیاسی جامعه اثرهای اساسی و تعیین‌کننده‌ای برجای گذاشته است؛ که برای نمونه می‌توان به نقش روحانیت انقلابی در جنبش تنباکو، جنبش مشروطیت و از همه مهم‌تر، انقلاب اسلامی اشاره کرد.

با روی‌دادن انقلاب اسلامی و شکل‌گیری حکومت دینی و حاکمیت ولایت فقیه، امکان و فرصت بسیار مناسبی برای روحانیت به‌وجود آمد تا نقش‌ها و کارکردهای اساسی خود را برای تبلیغ، ترویج و دستیابی به اسلام راستین در همه عرصه‌های حیات پیدا کند. روحانیان برای گسترش اندیشه، فرهنگ و تمدن اسلامی در جهان، وظیفه دارند با پشتوانه انقلاب اسلامی، ارزش‌ها، احکام، اصول و معارف اسلامی را در جهان تبلیغ کنند و به شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در راستای انقلاب جهانی مهدوی کمک کنند.

«این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته

ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه سیاست، هم در زمینه مسائل علمی، هم در زمینه مسائل اجتماعی، هم در زمینه اختراعات که شما حالا اینجا نمونه‌اش را ملاحظه کردید و... و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریم‌ها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است» (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

انقلاب اسلامی مردم ایران برخلاف انقلاب‌های دیگر که شاید بر پایه جنبش‌های مسلحانه و غیره بوده‌اند، انقلابی بر پایه آگاهی مردم بود و در جریان آن ارتباط همه‌جانبه‌ای بین دانشمندان، مردم و همه پایه‌های جامعه برقرار شد. اگر قرار باشد به سوی تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی ظهور برویم، در آنجا هم مسئله آگاهی طرح می‌شود. بدون آگاه‌شدن عموم مردم نمی‌توانیم مسیری را که پیش‌رو داریم به راحتی سپری کنیم. این آگاهی در گرو آموزش و تبلیغ است (<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=53490>)

با مطالعه سنخ تاریخی و نظری نقش روحانیان در بُعد تبلیغی و پیگیری و پژوهش‌های سنخ جامعه‌شناختی باید به تمدن نوین اسلامی به‌عنوان سنخ آرمانی رسید. این مطالعه چنین هدفی را دنبال می‌کند. هدف اصلی این پژوهش تبیین نقش تبلیغی روحانیون در جامعه با عنایت به جانشینی پیامبر برای آن‌ها می‌باشد. و از این دیدگاه به دنبال تبیین جامعه‌شناختی آن در اندیشه سیاسی اسلام برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی است.

ادبیات تحقیق

تعریف مفاهیم

نقش

نقش به رفتاری گفته می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه ویژه به دست آورده است، انتظار دارند (کوئن، ۱۴۰۱: ۸۳) و نقش همان کاری است که کنشگر در یک چنین موقعیتی انجام می‌دهد؛ موقعیتی که با توجه به اهمیت کارکردی آن برای نظام گسترده‌تر، در نظر گرفته می‌شود. کنشگر بر حسب اندیشه‌ها و عملکردها در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه دست‌کم

برحسب موقعیتی که در نظام اجتماعی دارد به‌عنوان یک رشته منزلت‌ها و نقش‌ها شناخته می‌شود (ریترز، ۱۴۰۰: ۱۳۵).

روحانی

روحانی در اسلام به کسانی گفته می‌شود که دانش‌آموخته حوزه علمیه بوده و لباس روحانیت به تن دارند. همچنین به کسانی که در حوزه‌های علمیه علوم اسلامی تحصیل می‌کنند طلبه هم گفته می‌شود. نهاد روحانیت، نهادی دینی و اجتماعی در معنای عام کلمه است که عهده‌دار امر تبلیغ دین و ارشاد و راهنمایی دینی مردم است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۹). آیه ۱۲۲ سوره توبه و نیز حدیث‌های وارده از پیامبر اسلام ﷺ شکل‌گیری چنین نهادی را در جامعه مسلمانان بایسته و ضروری می‌دانند.

ابلاغ

فرمان‌رسانی، رسانیدن نامه و پیام، رساندن بی‌کم‌وکاست و کامل و درست پیام به کسی (فرهنگ لغت هوشیار، ۱۳۸۷)

تبلیغ

پاره‌ای از اطلاعات است که برای مجاب‌سازی و برانگیختن احساسات مخاطب به سود یا بر ضد یک امری به او بیان می‌شود. تبلیغ به معنای تبلیغات دینی و به معنای دعوت است که بیشتر با واژه‌هایی مانند وعظ و خطابه هم‌مضمون است (ویکی‌فقه، دانشنامه حوزوی). واژه «تبلیغ» هرچند در لغت، مفهوم گسترده‌ای دارد، معنای آن در اینجا رسانش شرع و دین خدا به مردم است که در آیه‌های گوناگون از وظیفه‌های اصلی پیامبرها شمرده شده است. رسانش پیام، خبر یا مطلبی به مردم، و ابلاغ کردن یعنی موضوعی که با نشر اخبار با ابزارهای گوناگون مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه و غیره در ذهن‌های عمومی جاگیر می‌شود (معین، ۱۳۸۷).

تمدن

تمدن در بردارنده مجموعه پیچیده‌ای از پدیده‌های اجتماعی انتقال‌یافتنی، از بعدهای

مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی و مشترک در همهٔ جزءهای یک جامعهٔ گسترده یا چندین جامعه در ارتباط با یکدیگر است (حداد عادل، ۱۳۸۴).

تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همهٔ شاخص‌های آن بر پایهٔ اسلام قرار دارد. بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همهٔ ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و بر پایهٔ سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است و شاخص‌های آن، دین، اخلاق، علم، قانون‌ها، مقررات، اصول دینی و غیره است (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۱ و ۵۲). برای رسیدن به تمدن اسلامی، باید مجموعه‌ای از شرط‌های اخلاقی و مادی شکل گیرد (بابایی، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۹). به اعتقاد زرین کوب، «...جامعهٔ اسلامی جامعه‌ای همساز است که مرکز آن قرآن است» (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۲۹).

تمدن نوین اسلامی

کانون قانون‌های قرآنی، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت پیوسته و حکومت مردمی، شاخص‌های ویژهٔ تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری دامت بقیته است. گسترش و ترقی تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته‌جمعی نیاز دارد که در سایهٔ اخلاق، کار و تلاش، ایمان به خدا، خردگرایی، توانایی علمی، اقتصاد شکوفا، برخورداری از رسانه‌های نیرومند و روابط بین‌الملل شکل می‌گیرد (اکبری، رضایی، ۱۳۹۴: ۸۵-۱۰۸).

پیشینهٔ پژوهش

۱. حسینیان، کیانپور و ربانی خوراسگانی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «توصیف کیفی فراگرد ارتباط مردم و روحانیت در تبلیغ دین؛ نگرشی آسیب‌شناسانه از دیدگاه روحانیون مبلغ نخبه» انجام داده‌اند. برابر یافته‌های پژوهش، مشارکت‌کنندگان در زمینهٔ تبلیغ دین آسیب‌های ارتباط مردم و روحانیت را در پنج مقولهٔ فراگرد ارتباط، فاصلهٔ نقش، بایستگی‌های زمینه‌ای، میزان توان ارتباطی و بوم‌رنگ تبلیغ توصیف کرده‌اند. واژه‌هایی مانند «پرچم‌داری زید و عمر»، «اقتدار قضائی و اداری» و «توطئه‌اندیشی» در مقولهٔ قطع فراگرد ارتباط و مضامینی مانند «روحانی مکلاً»، «دین وارونه»، «منبرهای پوچ» و «روحانی

ابزاری» در مقوله فاصله نقش معرفی شده‌اند. مقوله الزامات زمینه‌ای با واژه‌هایی مانند فرهنگ‌گریزی، ذائقه‌گریزی، ارزش‌گریزی و کاهش میزان توان ارتباطی توصیف شده و در مقوله بوم‌نگ تبلیغ، تبلیغ بی‌کلام و تبلیغ پاکتی به‌دست آمده است که مبلّغ‌های دین باید به آن‌ها توجه کنند (حسینیان، کیانپور، ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۸: ۵۷-۸۲).

۲. عارفی مسکونی (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «آداب تبلیغ در حج» انجام داده است و نتیجه‌های پژوهش نشان می‌دهد که مبلّغ باید کانون مهر و عطوفت باشد و سایه مهرش را بر سر همه بگستراند (عارفی مسکونی، ۱۳۸۹).

۳. عزتی، بهرامی و دادفر (۱۴۰۱) پژوهشی با عنوان «نقش روحانیون مسافر و مهاجر در مبارزات انقلابی مردم کرمانشاه (با تکیه بر اسناد)» انجام داده‌اند. در میان قشر روحانیون برخی از روحانیون مهاجر (غیربومی) که در شهر کرمانشاه اقامت داشتند یا به‌گونه موقت دعوت می‌شدند با شرکت در محفل‌های مذهبی و دینی نقش اثرگذاری در پیشرفت اندیشه مبارزاتی و انقلابی ایفا کردند. این پژوهش نشان داده که روحانیون مهاجر و مسافر سهم عمده‌ای در مبارزات انقلاب مردم کرمانشاه ایفا کردند (عزتی، بهرامی و دادفر، ۱۴۰۱: ۱۹۹-۲۲۸).

۴. آقای فیروزآبادی و دهقان ده‌جمالی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «نقش مراجع عظام و حوزه‌های علمیه در دفاع مقدس و بهره‌گیری از آن در جنگ احتمالی آینده (با تأکید بر جنگ نرم)» انجام داده‌اند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد همچنان که مراجع عظام و حوزه‌های علمیه نقش اثرگذاری در دفاع مقدس داشته‌اند، با توجه به هدف‌ها و ابزارهای نوی دشمن، بدیهی است در جنگ آینده نقش اثرگذارتری نسبت به گذشته باید ایفا کنند (آقای فیروزآبادی و دهقان ده‌جمالی، ۱۳۹۸: ۵-۳۴).

۵. کوهی، امیری و ذوالفقارزاده (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «برآوردی از پیامدهای روندهای دین‌داری در آینده تبلیغ دین» انجام داده‌اند که نتایج آن نشان می‌دهد چهار جریان عمده افزایش گرایش به دین‌ورزی احساسی، رشد گزینشگری و آمیخته‌گرایی در دین‌داری، چالش‌های حاکمیت دینی و مطالبه و رونق الگوی درمان‌گرایی در دین‌داری موجب می‌شود

رویدادهای دگرگونه‌ای در آینده تبلیغ دین شکل بگیرد. در آینده، تبلیغ دین کار دشوارتری می‌شود؛ نقش عموم مردم در آن بیشتر می‌شود و سازمان‌ها و نهادهای دولتی با چالش نقش در آن روبه‌رو می‌شوند. زیادی الگوها و روش‌های تبلیغی به چشم می‌آید و نیاز به آفرینشگری و مهارت‌های نوآوری، عینی می‌شود. اعزاز مبلغ، الگویی ناکارآمد قلمداد می‌شود و گروه‌ها و مؤسسه‌های تبلیغی با چاشنی درآمدزایی و ارتباط بده‌بستان با مخاطب‌ها به سمت الگوهای نویی از تعامل پیش می‌روند. مبلغ‌های دین بیش از آنکه ارائه‌دهندگان اطلاعات دینی باشند، پاسخ‌گوهای به نیازهای عاطفی، عرفانی و معنوی مخاطب‌های خود و نیازمند مهارت‌های ارتباطی می‌شوند (کوهی، امیری و ذوالفقارزاده، ۱۳۹۸: ۲۳۵-۲۶۲).

۵. خدادادی و خدادادنژاد (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل عقلی حکم ارشاد جاهل در اصول اعتقادی» انجام داده‌اند و نتیجه‌های پژوهش نشان می‌دهد ارشاد جاهل در اصول اساسی اعتقادی که اعتقاد به آن‌ها بر همه تکلیف‌شده‌ها بایسته است، واجب کفایی است (خدادادی، خدادادنژاد، ۱۴۰۲: ۲۹۴-۳۲۸).

روش پژوهش

روش به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش کیفی و داده‌بنیاد از نوع نظریه‌مبنایی است که مفاهیم در مرحله نخست از قرآن و حدیث استخراج شده‌اند و کدهای باز دارند؛ سپس چنین مفهومی‌هایی زیر مقوله‌هایی قرار گرفته‌اند و کدهای محوری بیانگر این مرحله هستند و سرانجام کدهای انتخابی و مقوله انتخابی با همدیگر در کنار هم نظریه‌مبنایی و الگوی پژوهش را شکل داده‌اند و نمونه و اعتبار ابزار به اشباع نظری مفهوم‌ها بستگی دارد و کشف و بازرسی فرایند پیوسته چنین پژوهشی است.

یافته‌ها

مفهوم‌های ذیل آن	مقوله اصلی
الف) محتوای پیام، ۱. ابلاغ یگانگی خدا، ۲. ابلاغ رسالت پیامبر، ۳. ابلاغ برائت از غیر خدا (ترک بت‌پرستی)، ۴. ابلاغ بی‌کم‌وکاست دین (معارف، احکام و اصول)، ۵. ابلاغ پاداش اطاعت و عبادت خدا (ابشار)، ۶. ابلاغ جزای اطاعت و عبادت غیر خدا (انذار)؛ ب) رسالت؛ ج) چگونگی ابلاغ: ۱. ابلاغ بی‌کم‌وکاست، ۲. حضور در اقصا نقاط کشور و جهان، ۳. یادگرفتن زبان‌های بیگانه، ۴. تبلیغ متناسب با درک و فهم افراد، ۵. انجام صحیح کار تبلیغ با ترفندهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، ۶. تبلیغ برابر ضرورت‌ها، ۷. نیازسنجی برای تبلیغ.	ابلاغ پیام دین

ابلاغ

الف) نخستین رسالت روحانیان - به‌عنوان جانشینان پیامبر - ابلاغ یگانگی و وحدانیت خداوند بلندمرتبه است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفْوًا أَحَدٌ» (اخلاص: ۱-۴)

«بگو: حقیقت این است که خدا یکتاست؛ آن خدایی که (از همه عالم) بی‌نیاز (و همه عالم به او نیازمند) است؛ نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی است و نه هیچ‌کس مثل و مانند و همتای اوست».

«وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (اعراف: ۸۵)
«و به اهل مدین برادر آن‌ها شعیب را فرستادیم. گفت: ای قوم من! خدای یکتا را بپرستید که شما را جز او خدایی نیست».

«وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (اعراف: ۷۳)
«و بر قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم، گفت: ای قوم من! خدای یکتا را بپرستید که جز او شما را خدایی نیست».

«وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (اعراف: ۶۵)

«به قوم عاد برادرشان (یعنی مردی از آن قوم) هود را فرستادیم؛ به آن‌ها گفت: ای قوم من! خدای یکتا را پرستید که جز او شما را خدایی نیست، آیا پرهیزکار نمی‌شوید؟!»

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» (اعراف: ۵۹)

«همانا نوح را به قومش فرستادیم؛ گفت: ای قوم من! خدای یکتا را پرستید که جز او شما را خدایی نیست. من بر شما از عذاب روزی بزرگ (یعنی قیامت) می‌ترسم.»
«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)
«وهمانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم که: خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید!»

بزرگ‌ترین مأموریت و -در ادامه- دستاورد مهم تمدن نوین اسلامی ابلاغ یکتاپرستی و گسترش آن در سراسر جهان و برگشت به سوی خداوند بلندمرتبه پس از انحراف‌های گسترده در جهان است. وظیفه تبلیغ یکتاپرستی و وحدانیت خداوند بلندمرتبه پایه اصلی تمدن نوین اسلامی است که یکتاپرستی را جایگزین شرک، بت‌پرستی و تمدن‌های انحرافی کند. چنین مهمی وظیفه نخست روحانیان مبلغ است.

ب) تبلیغ آیه‌های قرآن کریم: دومین رسالت روحانیون به‌عنوان جانشین‌های پیامبر ابلاغ بی‌کم‌وکاست پیام وحی است، که این پیام را با شیوایی و فصاحت لازم به عامه مردم و قشرهای گوناگون مردم مانند مشرک‌ها، اهل کتاب و عامه مردم مسلمان، مؤمن‌ها و اهل پرهیزکاری برساند و ابلاغ کند. دانشمندان دین به‌عنوان جانشین پیامبرها این وظیفه را باید برعهده گیرند. رساندن و ابلاغ پیام از وظیفه‌های خطیر رسول است؛ همان‌گونه که نام رسول بیانگر همین مأموریت می‌باشد. رساندن، ابلاغ، تبلیغ و مبلغ بودن وظیفه اصلی پیامبر است و او وظیفه اصلی‌اش، ابلاغ پیام و رساندن دستورها، امرها و نهی‌های خداوند به‌عنوان منبع وحی به مردم است؛ چنان‌که خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: «قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ أُتِلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأُنصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف: ۶۱ و ۶۲)؛ «گفت: ای قوم من! من گمراه نیستم، بلکه پیغمبری از جانب پروردگار

جهانیانم که پیغام‌های پروردگار خویش را به شما می‌رسانم. خیرخواه‌ترین کسان برای شمایم و از جانب خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

نوح علیه السلام می‌فرماید: من از آنجاکه فرستاده‌ای از سوی پروردگار هستم، در راستای رسالتم پیام‌هایی را به شما می‌رسانم. رسالت و پیغام را به صیغه جمع بیان کرد تا بفهماند که او تنها به یکتاپرستی و معاد برانگیخته نشده، بلکه احکام بسیار دیگری را نیز آورده، چون نوح علیه السلام از پیغمبرهای اولوالعزم، صاحب کتاب و شریعت بود (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۸: ۲۱۹ و ۲۲۰).
راه رستگاری جهانیان و انسان غرق در مادیات و انحراف امروزین برگشت به قرآن و آیه‌های وحی الهی است که می‌لغ‌های دینی از سوی انقلاب اسلامی این مأموریت را برای برقراری حکومت، فرهنگ و تمدن نوین اسلامی به دوش می‌کشند. انقلاب اسلامی در جهان سراسر مادی و انحراف به‌عنوان نور و ندای حق، دین، پرچم دین‌خواهی، آخرت‌گرایی و تمدن نوین اسلامی را علم کرد تا انسان گمراه و به‌گفته مقام معظم رهبری دامه‌عزله انسان نادان نوراً نجات دهد (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۴۰۰/۱۲/۱۰).

سویه‌های ابلاغ

۱. ابلاغ به عموم مردم

«هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَ لِيُنذِرُوا بِهِ وَ لِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَ لِيَذَكِّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (ابراهیم: ۵۲)؛ این قرآن پیام و ابلاغی است برای عموم مردم تا همه به‌وسیله آن انداز شوند و بدانند خدا یکتاست و تا صاحبان مغز و اندیشه پند گیرند».

این آیه پایان سوره ابراهیم علیه السلام است و مناسب‌تر آن است که کلمه «هذا» را اشاره به مطالب سوره بگیریم، نه به مجموع قرآن -چنان‌که بعضی پنداشته‌اند- و نه به آیه «و لا تحسبنَّ اللّهَ غافلاً عما يعمل الظالمون» و آیه‌های پس از آن تا آخر سوره، چنان‌که بعضی دیگر پنداشته‌اند. حرف لام در جمله «لینذروا به» لام عنایت و عطف است بر لام دیگری که در تقدیر است و به‌خاطر بزرگی امر حذف شده، چون آن قدر عظیم‌الشان است که فهم مردم به آن احاطه نمی‌یابد و آن اندازه دربردارنده رازهای الهی است که مردم توان فهم و دریافت آن

را ندارند، و خردهای بشر فقط می‌تواند نتیجه‌های آن رازها را بفهمد و دریافت کند. و آن همین اندازی است که گوشزدشان می‌شود و خلاصه کلام این که بزرگی رازها به اندازه‌ای است که ممکن نیست بشر را از آنها ترسانید، و به یگانگی خود آگاه ساخت و برای مؤمن‌ها یادآور شد و همین هم بس است؛ زیرا منظور اتمام حجت با آیه‌های توحید است. آن‌ها که به خدای بلندمرتبه ایمان ندارند با شنیدن آن آیه‌ها حجت بر ایشان تمام می‌شود و آن که ایمان دارد از همین آیه‌های توحید با معرفت‌های الهی آشنا می‌شوند و نیز مؤمن‌ها یادآور می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۲: ۸۱).

پس، ابلاغ به مردم و تذکر به مؤمنان برای یکتاپرستی و اتمام حجت با آیه‌های درباره یکتاپرستی به کسانی که کافر هستند و وظیفه ابلاغ پیامبرهاست. دانشمندان دین که جانشینان پیامبرها هستند و به دنبال شکل دهی به تمدن نوین اسلامی هستند وظیفه دارند که:

(الف) دین را به عموم مردم ابلاغ نمایند؛ همه مردم جهان باید این پیام را دریافت کنند؛

(ب) به مؤمنان یکتاپرستی را یادآور شوند؛

(ج) با آیه‌های توحید با کسانی که ایمان ندارند اتمام حجت نمایند. کسانی که ایمان نمی‌آورند باید آن‌ها را انداز کرد.

در امر ابلاغ عمومی به مردم سه شعبه: ابلاغ به عموم مردم، یادآوری به مؤمنان و اتمام حجت با منکران وجود دارد و ایفای چنین نقش‌ها و مأموریت‌های گسترده جهانی پایه‌های تمدن نوین اسلامی را برپا می‌کند. تبلیغ گسترده به همه مردم جهان از هر جغرافیا، نژاد و تیره‌ای از وظیفه‌های روحانیان است و در راه این تبلیغ آن‌ها باید مردم را از عبادت غیر خدا بترسانند و انداز دهند و ادامه این الگوی تبلیغ پند و اندرزدهی به برگزیده‌های علمی و دانشی جهان است که آن‌ها از این شیوه تبلیغی پند گیرند. این پند نموده‌های گوناگون می‌تواند داشته باشد. اگر برگزیده‌های علمی جهان عبادت خدا را پذیرفتند آن‌ها می‌توانند در مسیر آموزش‌ها و تولیدهای علمی خود به شکل نوشتاری، گفتاری و... جهت یکتاپرستانه و خدایی به کارهای خود بدهند. همچنین، در کنار تبلیغ به همه جهان و کسانی که باید ایمان بیاورند یادآوری و به‌روزرسانی و نگهداری مؤمنان در راه یکتاپرستی وظیفه و نقش همیشگی

روحانیان است. همچنین، مشرک‌ها و کافر‌ها باید پیوسته مورد عتاب و اتمام حجت واقع شوند.

ابلاغ دین به عموم مردم جهان	ابلاغ دین به یکتاپرست‌ها
ابلاغ دین به مؤمن‌ها	ابلاغ دین به کافر‌ها و مشرک‌ها

۲. ابلاغ به جمعیت عبادت‌کنندگان

- ابلاغ روشن

«إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» (انبیاء: ۱۰۶)؛ «در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان». کلمه «ابلاغ» به معنای کافی بودن است و نیز به معنای آن چیزی است که آن‌ها به آرزوی خویش می‌رسند و نیز به معنای خود بلوغ است. به هر حال، معنای آیه از میان این سه معنایی که نقل کردیم روشن است. کلمه «هذا» اشاره به معرفت‌هایی دارد که در سوره بیان شده و معنایش این است که: آنچه در این سوره بیان کردیم که پروردگار جهان یگانه است و غیر از او پروردگاری نیست و واجب است که به کمک پیامبری پرستش شود تا به این‌گونه آماده روز حساب گردند و این‌که جزای مؤمنین چنین و چنان و جزای کافران چنین و چنان است، برای عموم مردم عبادت‌کننده کافی است؛ البته در صورتی که آن را دریافت نموده و به آن عمل کنند و در این صورت به آرزوی خویش می‌رسند (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۱۴: ۴۹۸).

بنابر این آیه، وظیفه ابلاغ به عبادت‌کنندگان چهار بُعد دارد: ۱. ابلاغ یگانگی خداوند، ۲. براءت از غیر خدایان، ۳. اتصال و جنگ‌زدن به دامان پیامبر برای رسیدن به خداوند، ۴. ابلاغ پاداش اطاعت و عبادت خداوند و جزای عدم عبادت و اطاعت او.

ابلاغ یگانگی خداوند	براءت از غیر خدا
جنگ به دامان رسالت	ابلاغ پاداش عبادت و جزای عبادت نکردن

۳. ابلاغ به اهل کتاب و مشرکان

فَإِنْ حَاجِبُكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَقُلْ لِّلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَ الْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ
فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ (آل عمران: ۲۰).

اگر با تو به گفت‌وگو و ستیز برخیزند (با آن‌ها مجادله نکن!) و بگو: «من و پیروانم» در برابر خداوند و (فرمان او) تسلیم شده‌ایم و به آن‌ها که اهل کتاب هستند (یهود و نصاری) و بی‌سوادان (مشرکان بگو) آیا شما هم تسلیم شده‌اید؟ اگر در برابر فرمان و منطق حق تسلیم شدند هدایت می‌یابند و اگر سرپیچی کنند (نگران مباش): زیرا بر تو تنها ابلاغ (رسالت) است و خدا نسبت به (اعمال و عقاید) بندگان بیناست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۵۲).

در این که فرمود: «و إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» چند نکته هست: اول اینکه: از جدل و سربه‌سر گذاشتن با مشرکان نهی می‌کند، چون کسی که منکر امور ضروری و بدیهی است بحث او با جدال و لجاج است نه بحث معقول؛ دوم اینکه: می‌فهماند حکم کردن و داوری درباره مردم به طور مطلق فقط از آن خدای سبحان است و بس، و رسول خدا ﷺ فقط رسولی است مبلّغ و بس و مصیطر بر مردم نیست؛ همچنان که در جای دیگر فرمود: «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ» و نیز فرمود: «لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ»؛ سوم اینکه، تهدیدی است برای اهل کتاب و مشرکان برای اینکه گفتار را با «وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» ختم می‌کند، و بعد از آنکه به پیامبرش می‌فرماید تو را در امور استقلال نیست، خداوند بر بندگان خویش بیناست، خالی از تهدید نیست.

«فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسَلَمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ». ضمیر در کلمه «حاجوک» به اهل کتاب برمی‌گردد و این به خوبی روشن است و مراد از محاجه کردن اهل کتاب احتجاج در امر اختلاف است، به اینکه مثلاً بگوید: اختلاف ما از غرور، یعنی ستمگری نیست و چنان نیست که با روشن شدن حق در آن اختلاف کنید، بلکه عقل و فهم و اجتهادی که در به دست آوردن حقایق دین کرده‌ایم ما را به این اختلاف کشانید، و در همین راهی که انتخاب کرده‌ایم تسلیم حق تعالی هستیم، و آنچه تو -ای محمد- انتخاب کرده‌ای و به سوی آن دعوت می‌کنی از این قبیل است. عقل ما این طور و عقل تو آن طور حکم کرده و هردو تسلیم خداییم؛ یا محاجه‌ای شبیه به این می‌کنند. دلیل ما بر اینکه منظور از محاجه چنین چیزی است پاسخی است که آن جناب مأمور شده بدهد و بگوید: «أَسَلَمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ» و در نتیجه بگوید: «أَأَسَلَمْتُمُ»؛ برای اینکه در این دو جمله حجتی آمده که طرف را به طور کلی خاموش

می‌کند، نه اینکه خواسته باشد طفره رفته و اصلاً جواب ندهد (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۱۹۰).

در اینجا نیز مبلغ‌های روحانی باید: ۱. نخست، ابلاغ اسلام نمایند؛ ۲. از جدال و سربه‌سرگذاشتن با مشرک‌ها دوری کنند؛ ۳. احتجاج عقلی نمایند؛ ۴. درباره رفتار مردم داوری نکنند؛ ۵. اسلام را فصل الخطاب اختلاف‌ها قرار دهند.

تبلیغ برای تمدن نوین اسلامی تبلیغ منطقی، درون‌فهمانه، منصفانه و با منبع دین جهانی اسلام است.

تبلیغ اسلام بدون سربه‌سرگذاشتن با مشرک‌ها (منصفانه)	احتجاج عقلی (ابلاغ منطقی)
دوری از داوری درباره رفتار مردم (درون‌فهمانه)	اسلام فصل الخطاب اختلاف‌ها (با منبع اسلام)

کیفیت ابلاغ

۱. ابلاغ روشن و مفاهمه با آن‌ها

الف) «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» (نساء: ۶۳). با ایشان سخن بگو که دل‌هایشان آن را درک کند، و بفهمند چه می‌گویی. خلاصه، با زبان دل با آنان حرف بزن تا متوجه شوند که این رفتارشان چه مفاسدی دارد و اگر معلوم شود نفاق ورزیده‌اند چه عذابی ناشی از خشم خدای بلندمرتبه بر آن‌ها نازل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۳: ۱۹۳). مبلغ در اینجا باید: ۱. از روی زبان دل و مطابق درک و فهم افراد سخن بگوید؛ ۲. آسیب‌های رفتار منافقانه‌شان را به آن‌ها یادآور شود؛ ۳. عذاب خداوند را که نتیجه این عملشان است به آن‌ها اعلام کند.

ب) «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اخذُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا إِنَّمَا عَلَيَّ رَسُولُنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (مائده: ۹۲)؛ «اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید و (از مخالفت فرمان او) بترسید! و اگر روی برگردانید (مستحق مجازات خواهید بود) و بدانید وظیفه پیامبر جز ابلاغ آشکار چیز دیگری نیست و (این وظیفه را در برابر شما انجام داده است)».

محتوای این آیه پافشاری بر امری است که پیش‌تر به دوری از پلیدی‌ها کرده بود. وجه

پافشاری نخست این است که به اطاعت خداوند سبحان امر می‌کند که تشریح به دست اوست؛ دوم به اطاعت پیامبری که اجرای دستورهای شرع به او واگذار شده است و سوم به دوری آشکار برای مخالفت و در فقره «فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَيَّ رَسُولُنَا الْمُبِينُ» پافشاری است که در آن معنای تهدید نهفته است؛ به ویژه برای اینکه می‌فرماید: «فَاعْلَمُوا»؛ زیرا این خود اشاره است به اینکه شما مرتکبین خمر و میسر و غیره، نافرمانی‌های خود را یک نوع چیرگی بر پیامبر پنداشته‌اید و نفهمیدید یا فراموش کردید که رسول اکرم ﷺ در این بین سود و زیانی ندارد و جز رسانیدن پیغام و تبلیغ مأموریت خود، وظیفه دیگر ندارد و این نافرمانی‌ها برگشتش به دشمنی با خدای بلندمرتبه است. و ندانستید که شما درحقیقت در مقام دشمنی با ربوبیت پروردگار خود برآمده‌اید (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۶: ۱۸۴).

مبلّغ باید ابلاغ روشن و آشکار دین، احکام و اصول دین را بکند و بیان منطقی و همدلانه به جامعه تبلیغ داشته باشد و هم‌زمان به دوری از آمیختگی با اندیشه‌های انحرافی و سازش نکردن با انحراف توجه نماید. این بُعد دیگری از نقش ابلاغ برای شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی است. جهاد کبیر همان نقشی است که در برابر رویه‌های انحرافی در حوزه‌های گوناگون باید برگزید. مقام معظم رهبری «مَنْ ظَلَمَ» درباره جهاد تبیین، و روایتگری درست و بجا به جامعه مبلّغ‌ها فرموده‌اند:

«سعی کنید در تبیین، عنصر اتقان مطلقاً به دست فراموشی سپرده نشود. اتقان خیلی مهم است. گاهی اوقات انسان خیال می‌کند برای شیرین کردن یک قضیه در چشم مخاطبین، باید آن را با پیرایه‌ها و اغراق‌هایی بیامیزد؛ بعد که از یک افق بالاتری نگاه می‌کند، می‌بیند نه، این پیرایه‌ها - چون مصنوع ما بود- نه فقط بر ارزش آن عنصر حقیقی نیفزود، بلکه گاهی از آن کاست. اتقان را در نظر بگیرید و روایت را روایت صحیح قرار بدهید! نگذارید روضه‌خوانی برای شهدا، به سرنوشت روضه‌خوانی برای سیدالشهداء «عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» در دوره‌هایی دچار بشود. همان چیزی که هست را بیان کنید؛ منتها بیان هنرمندانه. ما می‌خواهیم کمبودهای هنرمندی خودمان را در تبیین حوادث عاشورا، با اضافه کردن افزودنی‌های غیرلازم پر کنیم؛ درحالی که نه، اگر ما بلد باشیم و ما هنرمند باشیم، هیچ

افزودنی‌هایی لازم نیست» (بیانات در دیدار مسئولان مؤسسه روایت سیره شهدا، ۱۳۸۹/۴/۱۴.khamanei.ir).

برابر فهم و درک افراد به آن‌ها تبلیغ نماید	با زبان دل به جامعه تبلیغ کند و با آن‌ها سخن بگوید
عذاب نفاق و دورویی را به آن‌ها یادآور شود	آسیب‌های رفتارهای منافقانه‌شان را بازگویی کند

مأموریت‌های ابلاغ

الف) ابلاغ پیام الهی

«مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ» (مائده: ۹۹)؛ «پیامبر وظیفه‌ای جز رسانیدن پیام الهی ندارد و مسئول اعمال شما نیست و خداوند آنچه را آشکار و آنچه را پنهان می‌دارید می‌داند».

۱. ابلاغ آشکار

«وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (یس: ۱۷)؛ «برعهده ما چیزی جز ابلاغ آشکار نیست». در صورتی که مردم روی برگردانند، وظیفه ابلاغ و تبلیغ از مبلغ رفع نمی‌شود. مبلغ وظیفه دارد که تبلیغ خود را انجام دهد و اگر مردم اعراض کنند، خداوند نتیجه اعراض آن‌ها را می‌دهد. وظیفه مبلغ تبلیغ است.

«فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنَّ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ» (شوری: ۴۸)؛ «اگر روی گردان شوند غمگین مباش! ما تو را حافظ آنان و مأمور اجبارشان قرار نداده‌ایم. وظیفه تو ابلاغ رسالت است و هنگامی که ما رحمتی از سوی خود به انسان بچشانیم به آن دلخوش می‌شود و اگر بلایی به خاطر اعمالی که انجام داده‌اند به آن‌ها رسد به کفران می‌پردازند؛ چراکه انسان بسیار کفران‌کننده است».

در این آیه شریفه از خطاب به کفار عدول کرده و خطاب را متوجه رسول خدا ﷺ نموده تا

به آن جناب اعلام فرماید مأموریتی که به دوش وی نهاده، تنها تبلیغ رسالت است و نه بیشتر از آن. او را فرستاده تا دین خدا را به مردم ابلاغ کند، نه اینکه نگهبان مردم، مسئول ایمان و اطاعت آنان باشد. تا خود را موظف بداند ایشان را از اعراض بازدارد و در این راه خود را به تعصب اندازد تا شاید مردم به وی روی آورند (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۸: ۲۳۹).

«فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نحل: ۸۲)؛ «پس (ای پیامبر) اگر آن‌ها روی برگردانند (و دعوت تو را نپذیرند، نگران مباش! تو به وظیفه خود عمل کردی) چراکه وظیفه تو فقط رساندن (پیام الهی به صورت) آشکار است».

در مجمع‌البیان گفته‌اند: بلاغ، اسم و تبلیغ مصدر است، همانند کلام و تکلیم. بعد از آنکه خدای سبحان از شمردن آنچه از نعمت‌هایش می‌خواست بیان کرد و از احتجاج به آن‌ها فارغ گردید، بیان خود را با این جمله ختم فرمود که مضمونش عتاب، ملامت و تهدید کافرها، و دربردارنده بیان یگانگی در ربوبیت و نیز نبوت و معاد است. سپس وظیفه رسول خدا ﷺ در رسالتش را بیان کرد و آن عبارت از ابلاغ است که فرمود: «فَإِنْ تَوَلَّوْا؛ اگر دوری کردند»؛ یعنی متفرع بر این بیان که جز دعوت آنان به صلاح معاش و معاد آنان نیست و هیچ اجبار و اکراهی در آن نشده، این است که اگر دوری کردند و از پذیرفتن آن سر تافته و از اهتدا به آن مضایقه نمودند، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ؛ بر تو هیچ مسئولیتی جز تبلیغ آشکار که ابهام و پنهانکاری در آن نباشد نیست؛ چون تو یک فرستاده‌ی خدایی و فرستاده جز این وظیفه ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۱۲: ۴۵۹).

بیان آشکار و مستدل به‌عنوان وظیفه عمده مبلّغ‌ها نقش مهمی در جریان ابلاغ دارد؛ ابلاغی که در آن پنهانکاری و نقصی وجود ندارد. در جهان پر از دروغ و دغ‌لکاری باید به‌روشنی و آشکارا همه دین - از یکتاپرستی تا نبوت و معاد؛ از احکام تا اصول و... - به مخاطب‌های فردی و اجتماعی رسانده شود. ابلاغ روشن می‌تواند به جذب بیشینه و تمدن‌سازی بر پایه صداقت و اعتماد کمک کند.

۲. ابلاغ احکام (خوشبختی انسان و رضایت خداوند)

«أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف: ۶۲)؛ «رسالت‌های

پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و خیرخواه شما هستم و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید».

در این چند جمله ویژگی‌های خود را می‌شمارد. نخست می‌فرماید: من از آنجاکه رسولی از سوی پروردگار هستم به مناسبت رسالتم پیام‌هایی را به شما می‌رسانم. «رسالات» را به صیغه جمع بیان کرده تا بفهماند که او فقط به یکتاپرستی و اعتقاد به آخرت برانگیخته نشده، بلکه احکام بسیار دیگری نیز آورده؛ چون نوح علیه السلام از پیغمبرهای اولوالعزم، و صاحب کتاب و شریعت بوده است.

سپس می‌فرماید: من خیرخواهتان هستم و با شما نصیحت‌هایی دارم که شما را به خداوند و اطاعت او نزدیک و از روی برگردانی از پرستش او دور می‌سازد. آن‌گاه می‌فرماید: من چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید و مقصودش از آن چیزها، معرفت‌هایی است که خداوند از سنت‌های جاری در عالم و از آغاز و انجام عالم به وی آموخته است، مانند رویدادهای قیامت، جزئیات مسئله ثواب و عقاب، اطاعت و معصیت بندگان، رضا و غضب و نعمت و عذابش (طباطبایی، ۱۳۹۸: ج ۸: ۲۱۸).

مبّغ باید در ابلاغ دین خدا به دین‌داران:

الف) ابلاغ توحید و یگانگی خدا کند؛

ب) ابلاغ معاد و دنیای آخرت و اینکه انسان عبث و بیهوده آفریده نشده است؛

ج) ابلاغ احکام الهی از واجبات، محرّمات و اموری که مورد عنایت و رضایت الهی است و منع اموری که موجب غضب وی است؛

د) ابلاغ بایستگی اطاعت از فرمان‌های الهی و بیان این‌که خوشبختی انسان در اجرای فرمان‌های الهی و موجب صلاح وی است؛

ه) ابلاغ معرفت‌ها بدون کم‌وکاست از سنت‌های جاری و از معرفت‌های موجود در دو عالم است.

ابلاغ آخرت و معاد	ابلاغ یکتاپرستی
ابلاغ اطاعت از خدا و خوشبختی ناشی از آن؛ ابلاغ معرفت‌های دو جهان	ابلاغ احکام، بایدها و نبایدها

ابلاغ یکتاپرستی، ابلاغ آخرت، ابلاغ احکام و ابلاغ اطاعت از خدا و معرفت‌های دو جهان همه محتوا و شکل (هندسه) تمدن نوین اسلامی است که چنین بیانی در نوشتار و گفتار و حتی در کردار مبلّغ‌ها بایستی جاری و ساری شود.

۳. ابلاغ بی‌کم‌وکاست مأموریت ابلاغی

«یا ایها الرّسول بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (مانده: ۶۷)؛ «ای پیامبر! آنچه را از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً به مردم برسان! اگر نکنی رسالت او را انجام نداده‌ای. خداوند تو را از خطرات احتمالی مردم نگاه می‌دارد. خداوند جمعیت کافران لجوج را هدایت نمی‌کند».

مبلّغ مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه‌اش - یعنی امر تبلیغ - را باید بی‌کم‌وکاست انجام دهد و در این راه هیچ بهانه‌ای بر ایفا نکردن و تعطیلی آن وجود ندارد و در امر تبلیغ هیچ گزینشی یا پافشاری بر یک بخش و وا گذاشتن بخش دیگر معنا ندارد؛ باید بدون کم‌وکاست هر امری به اندازه مورد توجه و پافشاری قرار گیرد.

ب) ابلاغ دین (بدون توجه به نتیجه اعمال)

«وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبُلَاغُ وَ عَلَيْنَا الْحِسَابُ» (رعد: ۴۰)؛ «اگر پاره‌ای از مجازات‌ها را که به آن‌ها وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم یا پیش از فرارسیدن این مجازات‌ها تو را بمیرانیم در هر حال تو فقط مأمور ابلاغ هستی و حساب آن‌ها بر ماست».

خداوند وظیفه‌ای را برعهده رسول خدا ﷺ قرار می‌دهد و آن این است که فقط مشغول انذار و تبلیغ باشد و به هیچ وجه به هواها و خواسته کافرهای اعتنا نکند؛ مانند ایشان آرزوی رسیدن آیتی که اقتراح کرده‌اند نکند؛ حتی منتظر اثر تبلیغات خود یا نزول عذاب بر آنان نباشد و این آیه دلالت دارد بر اینکه حساب الهی همان‌گونه که در آخرت برقرار می‌شود در دنیا نیز برقرار است (طباطبایی، ۱۳۹۸، ج ۱۱: ۵۱۸).

مبلّغ چنانچه تبلیغ کند ولی برخلاف تبلیغات او جامعه و افراد توجهی به تبلیغ وی نکنند، این امر وی از تبلیغ باز نمی‌دارد. وی باید وظیفه خود را - که ابلاغ پیام الهی است - به طور کامل و بی‌کم‌وکاست انجام داده و به نتیجه تأثیر آن بی‌توجه باشد.

ابلاغ بی‌کم‌وکاست	ابلاغ بی‌توجه به نتیجه آن
ابلاغ ادامه‌دار	ابلاغ با ترفندهای گوناگون

«وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نحل: ۳۵)؛ «مشرکان گفتند: اگر خدا می‌خواست نه ما و نه پدران ما، غیر او را پرستش نمی‌کردیم و چیزی را بدون اجازه او حرام نمی‌ساختیم. (آری) کسانی که پیش از ایشان بودند نیز همین کارها را انجام دادند ولی آیا پیامبران وظیفه‌ای جز ابلاغ دارند؟»

«الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيُخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب: ۳۹)؛ «پیامبران پیشین کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و فقط از او می‌ترسیدند و از هیچ‌کس جز خدا بیم نداشتند و همین بس که خداوند حسابگر و پاداش‌دهنده اعمال آن‌هاست».

«إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا» (جن: ۲۳)؛ «تنها وظیفه من ابلاغ از سوی خدا و رساندن رسالت اوست و هرکس نافرمانی خدا و رسولش کند آتش دوزخ از آن اوست و جاودانه در آن می‌ماند».

«قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ» (احقاف: ۲۳)؛ «گفت: علم آن فقط نزد خداست و او می‌داند چه زمانی شما را مجازات کند. من آنچه به آن فرستاده شده‌ام به شما می‌رسانم (وظیفه من همین) است؛ ولی شما را قومی می‌بینم که پیوسته در نادانی هستید».

در همه آیات بالا وظیفه و رسالت ابلاغ بی‌توجه به اینکه مردم اعم از کفار، مشرکان، اهل کتاب و... توجه کنند یا بی‌توجهی نمایند از اصلی‌ترین مأموریت‌های رسولان بوده است. ابلاغ روحانیان باید متوجه همگان شود و هر کسی و هر جامعه‌ای به فراخور استعداد و ظرفیت‌های پیدا و پنهان خود بایستی از بیان تبلیغی بهره ببرند و این جریان تبلیغی ادامه‌دار پیوسته و با ترفندهای گوناگون بیان کلامی، نوشتاری، تصویری و... انجام می‌شود.

ج) ابلاغ پیام (به معنای نصیحت و خیرخواهی برخلاف نادانی مردم)

«فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ»

(اعراف: ۷۹)؛ «صالح از آن‌ها روی برتافت و گفت: ای قوم من! این رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و شرط خیرخواهی را انجام دادم، ولی چه کنم که شما خیرخواهان را دوست ندارید».

«فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمِ كَافِرِينَ» (اعراف: ۹۳)؛ «سپس از آنان روی برتافت و گفت: ای قوم من! من رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم؛ باین حال، چگونه بر حال قوم بی‌ایمان تأسف بخورم؟!»
«أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ» (اعراف: ۶۸)؛ «رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و من خیرخواه امینی برای شما هستم».

- تبلیغ در روایت‌ها

هدف‌های تبلیغ

تبلیغ به معنای اتمام حجت

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَّرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنَسِي نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵ق: خطبه ۱)؛ «خداوند پیامبرانش را در میان آنان مبعوث کرد و پی‌درپی رسولان خود را فرستاد تا پیمان فطرت از آنان مطالبه کنند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آنان آورند و با ابلاغ دستورهای خدا، حجت را بر آنان اتمام کنند».

ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «وَاصْطَفَىٰ سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ أَنْبِيَاءَ أَحَدًا عَلَىٰ الْوَحْيِ مِيثَاقَهُمْ وَعَلَىٰ تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ أَمَانَتَهُمْ لِمَا بَدَّلَ أَكْثَرَ خَلْقِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ فَجَهَلُوا حَقَّهُ وَاتَّخَذُوا الْأَنْدَادَ مَعَهُ وَاجْتَأَلْتَهُمُ الشَّيَاطِينُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَاقْتَطَعْتَهُمْ عَنْ عِبَادَتِهِ» (فیض الاسلام، ۱۳۶۵ق: خطبه ۱). بعد از آنکه حضرت آدم علیه السلام در دنیا سکنی گرفت و از آن بزرگوار فرزندان و فرزندزادگان بسیاری به وجود آمد، خداوند متعال از میان اولادش پیغمبرانی برگزید و از ایشان بر وحی و تبلیغ رسالت عهد و پیمان گرفت، تا آنچه را که از جانب خدای تعالی به آن‌ها برسد انجام دهند و مردم را به خودشناسی دعوت کرده و هیچ‌گونه کوتاهی نکنند.

بدین ترتیب، امر تبلیغ، ارائه رسالت و ابلاغ پیام وحی نیاز به انسان‌های شکیبا، صابر و با بصیرت و عالم به امر تبلیغ نیاز دارد که برای هدایت‌گری و ابلاغ خداوند، دین و احکام، اصول و معرفت‌های دینی ایستادگی کنند و پایمردی داشته باشند و از پای نشینند و این پایداری و ایستادگی نیازمند صبر و شکیبایی است؛ چراکه تبلیغ نیاز به استدلال، منطق، مهربانی، عطف و مفاهمه دارد و با خشونت و بی‌حوصلگی به دست نمی‌آید.

مبلّغ باید شکیبا و صبور باشد	بینش و بصیرت بالا داشته باشد
عالم به امر تبلیغ باشد	ایستادگی و پایمردی در امر تبلیغ داشته باشد

امام علی علیه السلام: قَالَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي ثَلَاثًا. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ؟ قَالَ: الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ حَدِيثِي وَسُنَّتِي ثُمَّ يَعْلَمُونَهَا أُمَّتِي» (ابن بابویه، ۱۳۹۰: ۲۴۷-۲۶۶)؛ رسول خدا سه بار فرمود: «خداوند! به جانشینانم رحم کن!» گفته شد: ای رسول خدا! جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: «آنان که حدیث و سنت مرا تبلیغ می‌کنند و آن‌ها را به امت من می‌آموزند».

امام علی علیه السلام: «رُئِيَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ تَرَاجِمُهُ الْحَقِّ وَالسُّفْرَاءُ بَيْنَ الْخَالِقِ وَالْخَلْقِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۵: ۵۴۳۳)؛ «فرستادگان خداوند سبحان، مترجمان حق و سفیران میان آفریدگار و آفریدگان هستند».

امام صادق علیه السلام: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ فَيَكْتُبُ اللَّهُ بِهَا إِيْمَانًا فِي قَلْبِ آخَرَ، فَيَغْفِرُ لَهُمَا جَمِيعًا»؛ «شخصی سخنی بر لب جاری می‌کند و خداوند به یمن آن، ایمان را در قلب شخصی دیگر ثبت می‌کند و در پی آن، هر دو را با هم می‌بخشد» (جاحظ، ۱۳۸۱: ج ۱: ۳۶۱ و ۷۷۸).

«أَمْرٌ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرٌ بِتَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ» (جعفری، ۱۳۷۷: ۴۸)؛ «همان‌گونه که به تبلیغ رسالت مأموریت یافته‌ام، به مدارا با مردم فرمان دارم».

برای تمدن‌سازی نوین که کاری بسیار گسترده و زمان‌بر است شکیبایی و صبر از بایسته‌های تبلیغ است؛ همین‌طور برای احتجاج‌های عقلی مجاب‌کننده بینش و بصیرت بالا لازم است و علم به تبلیغ یکی دیگر از بایسته‌های تبلیغ است و برای همه این‌ها ایستادگی و پایمردی از ویژگی‌های ضروری است.

- تبلیغ در بیانات امام خمینی علیه السلام

تبلیغ به معنای امانتداری

«حوزه‌های روحانیت محل تدریس و تعلیم و تبلیغ و رهبری مسلمانان است؛ جای فقهای عادل و فضلا و مدرسین و طلاب است؛ جای آنهاست که امانتدار و جانشین پیغمبران هستند؛ محل امانتداری است و بدیهی است که امانت الهی را نمی‌توان به دست هر کسی داد» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱: ۶۵).

«علما از صدر اسلام تا امروز از خودشان چیزی ندارند؛ آنها قوانین اسلام را، قوانین وحی را به مردم ابلاغ می‌کنند. ابلاغ قوانین الهی ارتجاع است؟! باید شما سخن‌گوی اسلام باشید. این شغل شماست و این شغل شما اگر چنانچه واقعیته داشته باشد از همه شغل‌ها بالاتر است، برای اینکه مقاصد اسلام با زبان شما ادا می‌شود؛ همه مقاصد اسلام و مسئولیتش از همه چیز زیادتر است» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱: ۶۹).

چنان‌که امام خمینی علیه السلام بیان کرده‌اند، رسالت و وظیفه روحانیت تبلیغ اسلام است و از پیش خودش چیزی را نمی‌گوید. بنابراین، آنها امانتدارهای الهی هستند. آنها سخن‌گوی دین هستند و آنچه را خداوند بلندمرتبه و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان هدی علیهم السلام گفته‌اند به مردم می‌رسانند و بار امانت را به دوش می‌کشند و نقش زبان دین را دارند. تمدن نوین اسلامی نیاز به متخصص‌های آزموده و با مهارت تبلیغ دارد که در راه اعتلای تمدن نوین اسلامی با عشق و علاقه و با صبر و بردباری سخن بگویند و پیام‌رسانی کنند.

عرضه دین

«بر علمای اسلام است که تثبیت کنند این مطلب را، اسلام را، همه شئون اسلام را، همه فنون اسلام را؛ همه احکام اسلام را بنویسند، بیان کنند، عرضه بدارند به دنیا؛ قوانین اسلام را در هر رشته‌ای که هست بنویسند، منتشر کنند. اگر موفق بشوند دستگاه فرستنده پیدا بکنند که به دنیا ابلاغ کنند اسلام را آن‌طوری که هست معرفی کنند و به دنیا بفهمانند که ما چه داریم و با اینکه دین را داریم این‌طور زندگی می‌کنیم. این مسئولیت بزرگی است که به

روش علمای اسلام اعلی‌الله‌کلمتهم به دوش آن‌هاست و شما آقایان، شما فضلالی اعلام و علمای جوان هم مسئولیت دارید. آتیه اسلام به دوش شماست مسئولیت آن. الان هم مسئولیت دارید و بسیار مسئولیت سنگینی است» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱: ۱۱۸).

دانشمند دینی زبان شیوای دین است که باید با هر روشی - از بیان شفاهی، نوشتاری، تصویری، رسانه‌ای و... - به بیان دین، احکام و اصول و قاعده‌ها و معرفت‌های دینی پردازد و پرچم تمدن نوین اسلامی را با مجاهدت علمی و فقهی به همه جهان برساند.

معرفی اسلام

«ما موظفیم ابهامی را که نسبت به اسلام به وجود آورده‌اند برطرف سازیم. تا این ابهام را از اذهان نزداییم هیچ کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم. ما باید نسل خود را و نسل آینده را وادار کنیم و به آن‌ها سفارش کنیم که نسل آتیه خویش را نیز مأمور کنند. این ابهامی را که بر اثر تبلیغات سوء چندصدساله نسبت به اسلام در اذهان حتی بسیاری از تحصیل‌کرده‌های ما پیدا شده رفع کنند. جهان‌بینی و نظامات اجتماعی اسلام را معرفی کنند. حکومت اسلامی را معرفی نمایند تا مردم بدانند اسلام چیست و قوانین آن چگونه است» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱، ج ۴: ۲۰).

معرفی اسلام به‌ویژه برای نسل‌های نو و به‌ویژه تحصیل‌کرده‌های کشورهای اسلامی که فریب تبلیغات سوء دشمن را خورده‌اند از وظایف علمای تبلیغ است. برگزیده‌های علمی و روشنفکری جهان - به‌ویژه جهان اسلامی - باید از مسیر گمراهی نجات یابند و خود به‌عنوان بلندگوی توانای جامعه اسلامی به تبلیغ دین پردازند. چنین مأموریتی مجاهده همراه با صبر و شکیبایی، منطق و استدلال نیرومند و اخلاق نیکو و محبت می‌طلبد که مبلغ‌های جامعه اسلامی برای انجام این چنین مأموریت‌های مهم و سخت باید کمربندها را محکم کنند.

«در خلال تحصیلات خود در فکر باشید که اسلام را به مردم معرفی کنید. فعلاً که اسلام غریب است و کسی اسلام را نمی‌شناسد؛ ولی لازم است که شما اسلام و احکام اسلام را به مردم برسانید تا مردم بفهمند اسلام چیست و حکومت اسلامی چه می‌باشد،

رسالت و امامت یعنی چه؟ اصلاً اسلام برای چه آمده است و چه می خواهد؟» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱، ج ۴: ۲۰).

روشن سازی و روشنگری ذهن ها و تنویر افکار عمومی گام نخستین است که نخست جامعه اسلامی به سرنقطه آغاز تمدن اسلامی برسد و سپس با نقش آفرینی های تبلیغی در حوزه جهانی و... به سمت وسوی جهان مهدوی حرکت کنیم.

وظیفه های مبلغ ها

الف) حضور برای تبلیغ در اقصی نقاط کشور: «امروز کسانی که کار خودشان را تمام کردند، تحصیل خودشان را تمام کردند، لکن در حوزه ها فعالیت تدریس و فعالیت های تبلیغی و این ها ندارند، این ها باید بروند در بلاد دیگر که محتاج هستند؛ در آنجا ادای وظیفه کنند. باید اشخاص، همان طلاب جوان که مشغول به تحصیل هم هستند، علاوه بر اینکه ایام تعطیل را باید بروند و تبلیغ کنند، سرتاسر کشور و آن وقت ها هم تا اندازه ای می روند، در غیر ایام تعطیل هم به حسب نوبت بروند. نگذارند همه جای ایران، یعنی بسیاری از جاهای ایرانی بی روحانی بماند؛ بسیاری از جاهای ایران بی مبلغ بماند. این ها تکلیف دارند. تکلیف شرعی - الهی دارند که تبلیغ کنند و احکام اسلامی را به مردم بفهمانند» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

برای دسترسی به جامعه اسلامی و سپس تمدن اسلامی نیاز است روحانیان در همه کشور از شرق و غرب تا شمال و جنوب، از روستاها تا شهرها و آبادی ها، حضور یابند و همه سنگرهای تبلیغی فضای مجازی و حقیقی را دریابند و برای گسترش دین، احکام، اصول و معرفت اسلامی در سراسر کشور بکوشند.

ب) شأن تبلیغ: «همه آقایان از اول اصل شأنشان تبلیغ بوده است. انبیا شأنشان تبلیغ بوده است. اولیای خدا شأنشان تبلیغ بوده است. همه آقایان علمایی که هستند، این ها همه مبلغین اسلامند. علمای اعلام ما، طلاب عزیز ما و قشرهای دیگری که در تبلیغات دخالت دارند و مشغول این عمل شریف هستند، باید به خودشان سرعت زیادی بدهند و تبلیغات

خودشان را تسریع کنند. البته روی یک موازینی و روی یک نظامی و روی یک سازمانی که آن طور البته بهتر خواهد بود».

تبلیغات هدفمند و سازمان یافته برای اقشار و گروه های سنی گوناگون از شئون مبلغان است. روحانیان از کوچک و بزرگ، از طلبه تا مجتهد، همه وظیفه تبلیغ دارند و چنین همت گسترده و سراسری دانشمندان دینی می تواند کشور و بیرون از کشور را به تسخیر تبلیغ خود در آورد.

ج) تبلیغ مناسب: «وضع تبلیغات باید متناسب با نیازها و وضع حوزه ها باشد. باید آقایان توجه داشته باشند، همیشه به دنبال مسائل واقعی بروند. کتاب هایی را که می خواهید منتشر کنید، حتماً بدهید عده ای از فضلا بخوانند و نظر دهند و خودتان دقیقاً بررسی کنید. اعزام مبلغ از امور بسیار لازم است که باید با دقت عمل شود. ما که می گوئیم می خواهیم انقلابمان را صادر کنیم، نمی خواهیم با شمشیر باشد، بلکه می خواهیم با تبلیغ باشد... اگر ما همه زبان ها را برای تبلیغ اسلام بدانیم عبادتی بزرگ است» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

تبلیغات باید:

۱. باید متناسب با وضعیت درک و فهم افراد باشد:

الف) هم از نظر وضعیت سواد و تحصیلات؛

ب) هم از نظر وضعیت سنی افراد؛

۲. آموختن زبان های گوناگون برای ارتباط با ملت های گوناگون و انجام تبلیغ عبادتی

بسیار بزرگ است؛

۳. انجام نیازسنجی های گوناگون و توجه به علوم گوناگون برای اثربخشی امر تبلیغ از

نیازهای روز می باشد.

تبلیغ در خارج از کشور

«ما امروز نمی توانیم مثل سابق فکر کنیم. ما سابق تبلیغاتمان محصور به ایران بود. گاهی اتفاق می افتاد که در یک جای دیگر هم می رفتند، اما گاهی بود، خیلی کم. تبلیغات آن قدر

که برای خارج لازم است برای داخل کمتر از آن لازم است. شما می بینید که امروز همه تبلیغات دنیا بر ضد اسلام است. با اسم ضدیت با جمهوری اسلامی اسلام را محکوم می کنند. صورت اسلام را به یک صورت دیگری درآورده اند که غیر واقعیت اوست. پیش تر احتیاج به زبان های خارجی نبوده، امروز احتیاج است به این؛ یعنی جزو برنامه تبلیغات مدارس باید زبان باشد؛ زبان های زنده دنیا؛ آن هایی که در همه دنیا شایع تر است» (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱: ۱۲۶).

تبلیغ گسترده در مجامع گوناگون و جامعه های بیرون از کشور برای دفع تبلیغ منفی علیه انقلاب اسلامی و اسلام بایسته است. انقلاب اسلامی به عنوان زمینه انقلاب جهانی حضرت موعود عجل الله فرجه الشريف بایستی به همه جهان ارسال شود و با فتح قلب جهانی ها به آرمان مهدوی دست یافت. امروز شکل گیری جبهه مقاومت از برکت های تبلیغی انقلاب اسلامی است که این الگوی تمدنی نوین اسلامی بایستی با همان شور و حال گسترش یابد و جهانی شود.

- تبلیغ در بیانات مقام معظم رهبری دامنه الله

انجام درست کار تبلیغ

«ما معلمان در هر جا که هستیم، بایستی حرکت خودمان را به تناسب نیاز موقعیت، شتاب بدهیم، تبلیغ دین، کار صحیح، حفظ وحدت و یکپارچگی که در روحیه مردم اثر مستقیم می گذارد» (بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۲/۱۵). صحت و دقت در انجام امر تبلیغ موجب سرعت عمل و انجام درست آن به همبستگی و وحدت مردم منجر می شود.

ساختن آدم ها

«این کار، کار روحانیت است، کار تبلیغ است، کار دین است که آدم ها را درست بسازد... ببینید طلبه سازی و آدم سازی و پرورش عنصر صالح برای کارهای گوناگون، چقدر دشوار است. در جامعه از این هم سخت تر است» (بیانات در استان خراسان شمالی، ۱۳۹۰/۷/۲۳).

تبلیغ به پرورش و تربیت انسان‌های مؤمن در جنبه‌های اجتماعی و همین‌طور به ساخته‌شدن انسان‌ها و خودسازی آن‌ها منجر می‌شود. تبلیغ افزون بر خودسازی به جامعه‌سازی و تمدن‌سازی نیز کمک می‌کند و فرهنگ‌سازی نیز از همین مجرا شکل می‌گیرد.

تبلیغ برابر ضرورت‌ها

«در اظهاراتی که در منبرها می‌شود رعایت چند چیز را بکنید: اول نیاز مردم است، مردم چه چیزی را بیشتر احتیاج دارند، آن را پیدا کنید. امروز مردم به اخلاق و عمق تفکر انقلابی احتیاج دارند. این انقلابی که به وجود آمد، بر پایه چه مبانی استوار است؟ این را مردم احتیاج دارند باید روی این فکر کنید. بهترین مرجع هم، کلمات و فرمایشات امام علیه السلام و بعضی از نوشته‌ها و گفته‌های قدیمی است که در طول این یازده سال، بحمدالله ما بزرگانی داشته‌ایم که بیان کرده‌اند. البته برای اهل تحقیق، مراجعه به قرآن و حدیث در باب حاکمیت و جامعیت اسلام و این که اسلام دین زندگی است، پس به آن نیاز است ضروری می‌باشد؛ دوم اعتدال را رعایت کنید. اعتدال یعنی در هیچ جهت دچار افراط نشوید. بعضی در منبرها دچار افراط می‌شوند، حالا یا در طرف جهات اخلاقی، یا در طرف جهات سیاسی، فرق نمی‌کند» (بیانات در جمع فضلا، طلاب و روحانیون مشهد، ۱۳۶۹/۱/۴).

تمدن نوین اسلامی

موردهای طرح‌شده در صحبت‌های مقام معظم رهبری دامنه‌السلام برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی را از وظیفه‌های مبلّغ‌ها طرح و بحث کردیم.

«اسلام سالم و دست‌نخورده و متکی به منابع متقن، در اختیار ماست. بقیه ادیان ممکن است این خصوصیات را نداشته باشند. آن مجموعه معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آن‌ها به دست می‌آید یعنی جهان‌بینی و بینش اسلامی فصول متعددی دارد؛ همه هم در عمل و اقدام فرد و دولت دارای تأثیر است؛ که من پنج نقطه مؤثرتر و مهم‌تر را انتخاب کرده‌ام و عرض می‌کنم... از این پنج نقطه، یکی توحید است. توحید یعنی اعتقاد به این که این ترکیب پیچیده بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از

کهکشان‌ها و سحابی‌ها و حفره‌های عظیم آسمانی و کرات بی‌شمار و میلیون‌ها منظومه شمسی بگیرید، تا سلول کوچک جزء فلان پیکر، فلان جسم و ترکیب ریز شیمیایی که آن قدر نظم در این ترکیب عظیم متنوع و پیچیده وجود دارد که هزاران قانون از آن استنباط کرده‌اند؛ ...

رکن دوم، تکریم انسان است؛ یا می‌توانیم به آن بگوییم انسان محوری. البته انسان محوری در بینش اسلامی، به کلی با اومانیزم اروپای قرون هجده و نوزده متفاوت است... سومین نقطه اصلی و اساسی در جهان بینی اسلامی، مسئله تداوم حیات بعد از مرگ است؛ یعنی زندگی با مردن تمام نمی‌شود. در اسلام و البته در همه ادیان الهی این معنا هم جزو اصول جهان بینی است و تأثیر دارد... چهارمین نقطه اصلی این جهان بینی عبارت است از استعداد بی پایان انسان در دارا بودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیات ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان را ندارند. در آیه شریفه «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»... آخرین نقطه‌ای که در این زمینه از بینش اسلامی عرض می‌کنم، این است که از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این بربرگرد هم ندارد... حال براساس این‌ها یک نتایج عملی به دست می‌آید و وظایفی برعهده انسان‌هایی که معتقد به این مبانی‌اند، قرار می‌گیرد. فرق نمی‌کند؛ چه حکومت اسلامی باشد و حاکمیت و قدرت در دست اهل حق باشد، چه حکومت اسلامی نباشد.

یک وظیفه عبارت است از عبودیت و اطاعت خداوند. چون عالم مالک و صاحب و آفریننده و مدبر دارد و ما هم جزو اجزای این عالم‌ایم، از این رو، بشر موظف است اطاعت کند. این اطاعت بشر به معنای هماهنگ شدن او با حرکت کلی عالم است... دوم، هدف گرفتن تعالی انسان است؛ تعالی خود و دیگران. این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی - یعنی جامعه تعالی پیدا کند - و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظف‌اند برای این چیزها تلاش کنند... سوم، ترجیح فلاح و رستگاری اُخروی بر سود دنیوی، اگر با هم تعارض پیدا کردند.

این هم یکی از وظایف عملی هر انسانی است که معتقد به آن جهان بینی است... چهارم، اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه است. یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی - چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع؛ که حکومت یا یک قدرت باشد- این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تبلی و بی عملی و بی تعهدی تن ندهد... پنجمی و آخری، امید به پیروزی در همه شرایط است؛ به شرط آنکه جهاد فی سبیل الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۱۲/۹).

نقش آفرینی مبلغ ها در ایجاد تمدن نوین اسلامی

۱. تمدن اسلامی بر پایه آیات قرآن و به دست پیامبر اکرم ﷺ پایه ریزی شده است؛ در نبود پیامبر و امامان هدی ﷺ روحانی ها که جانشینان آن ها هستند نقش تبلیغ و گسترش تمدن اسلامی بر پایه کتاب الهی را عهده دار هستند. آن ها وظیفه دارند که با ابزارهای رسانه ای روز و همین گونه به شکل چهره به چهره و رودر رو به تبلیغ دین و جامعه اسلامی، و فرهنگ و تمدن اسلامی بپردازند.

۲. تمدن اسلامی همه بعدهای معنوی و مادی بشر در همه مکان ها و زمان ها را در بر می گیرد؛ برای رسیدن به تمدن اسلامی تبلیغ احکام و اصول دین و... به تبع آن مطالعه و شناخت نیازهای مادی و معنوی بشری از دریچه دین اسلام و قرآن کریم، بایسته است روحانیان فراخور نیازهای بشری (با عنایت به دگرگونی های جهان) نقش های هدایتگری و پاسخ گویی خود را ایفا کنند و همین طور در جهت استقرار و جایگیری حکومت جهانی مهدوی بکوشند.

۳. از آنجاکه تمدن اسلامی بر اخلاق دینی متکی است، پویایی دارد؛ حکومت، فرهنگ و تمدن در حکومت اسلامی از هم جدا نیستند و آفرینشگرانه بر پایه قانون الهی رو به سوی جهان اخلاقی و امن ندارند و در همه این ها ابلاغ شایسته و مناسب نقش مهمی ایفا می کند.

۴. انقلاب اسلامی زمینه برپایی حکومت جهانی امام زمان ﷺ است که با نقش آفرینی تبلیغی روحانیان شکل یافته است؛ ادامه و استقرار آن با نقش آفرینی های روحانیان بوده

است و وظیفه مبارزه با استعمار و دستگیری از مستضعفین و بی‌پناه‌های جهان را این انقلاب و رهبری‌های روحانی آن عهده‌دار هستند.

۵. تلاش‌های مجاهدانه علمی، فناورانه و مدیریت جهادی با جهاد تبیینی روحانی‌ها همراه می‌گردد. جهاد تبیین، جهاد کبیر و مقاومت انقلابی در برابر تهدیدها و تحریم‌های دشمن از وظیفه‌ها و نقش‌های تبلیغی روحانی‌هاست و این از پیشران‌های برپایی تمدن نوین اسلامی است.

نتیجه‌گیری

روحانی در دین اسلام - به‌عنوان جانشین پیامبر - همه رسالت‌های او، از جمله امر تبلیغ، را بر عهده دارد برای اینکه در جهان امروز تمدن نوین اسلامی بتواند در رویارویی با جهانی‌سازی مادی، با ارزش‌های مادی تندروانه مبارزه کند و تمدن مادی و انحرافی را به عقب براند نیاز به تبلیغ دارد. همین‌گونه برای گسترش تمدن اسلامی تبلیغ لازم است. در جریان تبلیغ، روحانی مبلغ اسلامی نخست به تبلیغ یکتاپرستی، تبلیغ آیه‌های قرآن، روایت‌ها و به تبلیغ درست دین می‌پردازد. مبلغان در درجه نخست یگانگی خداوند را به مردم می‌رسانند. اسلام همه مردم جهان را مخاطب خود می‌داند و اسلام مخاطب قوم و جغرافیای ویژه‌ای نیست. آن‌ها با ابلاغ آیه‌های یکتاپرستی به کسانی که ایمان ندارند با آن‌ها در خصوص ایمان آوردنشان اتمام حجت می‌کنند.

مبلغ‌ها دین و یکتاپرستی را به جمعیت عبادت‌کنندگان ابلاغ کرده و یادآور می‌شوند از غیر خدا برائت جویند؛ یگانگی خداوند را از مسیر پیامبر، سنت و گفتار او ابلاغ می‌کنند و از سیره و سنت او بهره می‌جویند؛ پاداش اطاعت و عبادت خداوند یکتا و جزای اطاعت و عبادت نکردن او را ابلاغ می‌نمایند. تمدن نوین اسلامی بر پایه دین اسلام و یکتاپرستی قرار گرفته است. مسیر کنشگری در جامعه اسلامی بر الگوی رفتاری و گفتاری پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام قرار دارد.

باید اسلام به اهل کتاب و مشرک‌ها بی‌کم‌وکاست ابلاغ شود. این ابلاغ با منطقی و مستدل است و از جدال با تبلیغ‌شونده‌ها دور است. بعد از ابلاغ دین و یگانگی الهی، درباره رفتار

مردم داوری نمی‌شود. در موقع این ابلاغ، اختلاف‌ها با ملاک‌قراردادن اسلام حل و فصل می‌شود.

ابلاغ دین به روش استدلالی و مفاهمه شکل می‌گیرد. تمدن اسلامی بر پایه گفت‌وگو، محبت و مفاهمه قرار دارد؛ از روی زبان دل و اندازه درک و فهم افراد با آن‌ها سخن گفته می‌شود و آسیب‌های رفتار منافقانه به آن‌ها گوشزد می‌شود.

ابلاغ، آشکار و روشن است. مبلغ‌های اسلامی در راه تبلیغ تمدن نوین اسلامی، ابلاغ آشکار پیام الهی را برعهده دارند. اگر در این راه با نامهربانی و ناملایمات رویارو شدند رسالت ابلاغ از آن‌ها رفع نمی‌شود. چنانچه مردم بی‌توجه به ابلاغ آن‌ها باشند، باز بدون توجه به نتیجه تبلیغ، باید ادامه مسیر دهند. افزون بر ابلاغ یگانگی خدا و معاد، ابلاغ احکام و تربیت نیز ابلاغ می‌شود. رویدادهای قیامت، مسئله ثواب و عقاب، اطاعت و معصیت در رضا، غضب، نعمت و عذاب و معارف بدون کم‌وکاست ابلاغ می‌شود.

مبلغ‌ها باید همه شئون اسلام و فنون و احکام آن را بنویسند، بیان کنند و عرضه بدارند. قوانین اسلام را در هر رشته‌ای که هست بنویسند و منتشر کنند. دستگاه فرستنده پیدا کنند و اسلام را آن‌طور که هست به دنیا معرفی کنند. تبلیغ اسلام و تمدن اسلامی نوین باید کیفیت‌های زیر را داشته باشد: مبلغان ابهام به‌وجودآمده از سوی دشمن‌ها را برطرف و آشکار کنند؛ سوءتبلیغات چندصدساله علیه اسلام را پاسخ گویند؛ اسلام را به نسل‌های نو، به‌ویژه تحصیل‌کردگان کشورهای اسلامی، روشنفکرها و برگزیده‌های جامعه‌های گوناگون معرفی کنند؛ برای تبلیغ در اقصا نقاط جهان و کشور مسافرت نمایند و سختی‌های تبلیغ را به‌جان بخرند؛ کتاب‌های مناسب، به زبان‌های گوناگون و فراخور گروه‌های سنی و جنسی و ویژگی‌های فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون چاپ و منشر کنند؛ همیشه به‌دنبال مسائل واقعی بروند؛ وضعیت سواد و تحصیلات مناسب داشته باشند؛ دانش و اندوخته‌های لازم برای رویارویی با ساحت‌های گوناگون را داشته باشند و توان مهندسی تبلیغی مناسب با جهانی‌سازی مهدوی و هم‌زمان رویارویی با مهندسی‌های مادی محور غرب را داشته باشند؛ زبان‌های گوناگون را برای ارتباط‌ها با ملت‌های دنیا و انجام تبلیغ فرا بگیرند؛ به

زبان‌های گوناگون آیه‌ها و روایت‌های اسلامی را ترجمه نمایند؛ برای اجتماع‌ها و گروه‌های گوناگون نیازسنجی کنند؛ با عنایت به نیازهای جامعه‌ها برای گروه‌های یکتاپرست، کافر و مؤمن و... تبلیغ نمایند. تبلیغ امروزیین بایستی برابر فتاوری‌ها و ضرورت‌های مادی و معنوی جامعه‌ها باشد، مثل تبلیغ درباره خانواده، جمعیت و....

کتابنامه

قرآن کریم.

آقایی فیروزآبادی، سیدحسن، و دهقان ده‌جمالی، حسن (۱۳۹۸). نقش مراجع عظام و حوزه‌های علمیه در دفاع مقدس و بهره‌گیری از آن در جنگ احتمالی آینده (با تأکید بر جنگ نرم). مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۷(۷۸)، ۵-۳۴.

ابن شعبه حرانی، حسین بن علی (۱۳۷۷). تحف العقول. (جعفر بهزادی، مترجم). تهران، صدوق.

ابن بابویه، محمدبن علی، و کمره‌ای، محمدباقر (۱۳۹۰). امالی. تهران، کتابچی.

اکبری، مرتضی، و رضایی، فریدون (۱۳۹۳). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری علیه‌السلام. مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۳(۵)، ۸۵-۱۰۸.

بابایی، حبیب‌الله گردآوردنده (۱۳۹۰). تمدن و تجدد در اندیشه معاصر عرب. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir/>

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۹۵). غررالحکم و درالکلم. دارالحدیث.

جاحظ، عمرو بن بحر (۱۳۸۱). المحاسن و الاضداد. شریف الرضی.

جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. معارف.

حسینیان، سیدحامد، ربانی خوراسگانی، علی، و کیانپور، مسعود (۱۳۹۸). توصیف کیفی فراگرد ارتباط مردم و روحانیت در تبلیغ دین، نگرشی آسیب‌شناسانه از منظر روحانیون مبلغ نخبه. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۸(۲۶)، ۵۷-۸۲.

خدادادنژاد، مصطفی، و خدادادی، روح‌اله (۱۴۰۲). بررسی و تحلیل عقلی حکم ارشاد جاهل در اصول اعتقادی. کاوش‌های عقلی، ۲(۱)، ۲۹۵-۳۲۵.

دوچ، مورتون، و کراوس، رابرت (۱۳۹۵). نظریه‌ها در روان‌شناسی اجتماعی. دانشگاه تهران.

زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴). کارنامه اسلام. امیرکبیر.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۸). المیزان فی تفسیر القرآن. (محمدباقر موسوی همدانی،

مترجم). دفتر انتشارات اسلامی.

عارفی مسکونی، علی (۱۳۸۹). منش روحانی و آداب تبلیغ (۲). میقات حج، ۱۹(۷۲)، ۱۴۱-۱۷۶.

عزتی، مهدی، بهرامی، روح اله، و دادفر، سجاد (۱۴۰۱). نقش روحانیون مسافر و مهاجر در مبارزات انقلابی مردم کرمانشاه (با تکیه بر اسناد). تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، ۴(۸)، ۱۹۹-۲۲۸.

فیض الاسلام، علینقی (۱۳۶۵). ترجمه و شرح نهج البلاغه.

کوهی، احمد، امیری، مجتبی، و ذوالفقار زاده، محمدمهدی (۱۳۹۸). برآوردی از پیامدهای روندهای دینداری در آینده تبلیغ دین. مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۲۰(۴۵)، ۲۳۵-۲۶۲. معین، محمد (۱۳۸۳). فرهنگ معین. بوستان توحید.

هوشیار فقهی (۱۳۸۷). فرهنگ لغت هوشیار. مؤسسه فرهنگی هنری لوح فشرده.